

روایات گروه چهارم

گروه چهارم روایاتی است که صاحب هر پرچم افراشته ای قبل از قیام قائم -عجل الله تعالی فرجه- را طاغوت می داند که غیر خدا را عبادت می کند و یا نهی از هرگونه خروج مینماید: توجه کنید:

۱. عنه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن الحسين بن المختار، عن أبي بصير، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: «كل راية ترفع قبل قيام القائم (عليه السلام) فصاحبها طاغوت يعبد من دون الله».^۱

سند روایت معتبر است؛ هرچند حسین بن مختار واقفی معرفی شده است.

۲. عنه (کلینی از محمد بن یحیی العطار)، عن أحمد، عن علي بن الحكم، عن أبي أيوب الخزاز، عن عمر بن حنظلة قال: سمعت أبا عبدالله (عليه السلام) يقول: «خمس علامات قبل قيام القائم: الصيحة، والسفیانی، والخسف، وقتل النفس الزكية، واليماني، فقلت: جعلت فداك إن خرج أحد من أهل بيتك قبل هذه العلامات أنخرج معه؟ قال: لا»^۲

سند روایت معتبر است.

مراد از صیحه، مطابق برخی روایات صیحه ای است که: «ینادی مناد من السماء أول النهار: ألا إن عليا وشيعته هم الفائزون، قال: وينادی مناد [فی] آخر النهار: ألا إن عثمان وشيعته هم الفائزون»^۳ شاید کنایه از فراگیری امواج هدایت و ضلالت است که کلّ یجر الی نفسه و این تفسیر معقول تر از تفسیر ظاهری این متن بدون معنای کنایی و سمبلیک آن است و مراد از خسف، فرو رفتن جیش سفیانی در سرزمین بیداء است.^۵

۱. الوسائل؛ ج ۱۵، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، ص ۵۲، ح ۶.

۲. همان، ح ۷.

۳. عثمان بن عفان یا عثمان بن عنبسه (سفیانی) [؟].

۴. الروضة من الکافی، ص ۳۱۰، حدیث ۴۸۴.

۵. مثلا فیض کاشانی در وافی (۴۴۵/۲) احتمال داده که مراد از عثمان، عثمان بن عنبسه (سفیانی) باشد.

با تعبیر روایت اول از این گروه یا با اندکی تفاوت و البته بدون اضافه «یعبدون من دون الله»، چند روایت از امام باقر علیه السلام نیز در متون حدیثی وجود دارد و از جمله این روایات روایت ابو یحیی زکریا بن عبدالله تقاض است که قابل ملاحظه است.^۲

با ملاحظه آنچه از روایات گذشت، روایات گروه چهارم در مجموع از سند و دلالت روشنی بر ادعای مورد گفتگو، برخوردار است چنانکه جمله «فحنن نشهدکم إنا لسنا نرضی به وهو یعصینا الیوم ولیس معه أحد وهو إذا كانت الرايات والألویة أجدر أن لا یسمع منا إلا من اجتمعت بنو فاطمة معه فوالله ما صاحبکم إلا من اجتمعوا علیه، إذا كان رجب فأقبلوا علی اسم الله عز وجل وإن أحببتم أن تتأخروا إلى شعبان فلا ضیر وإن أحببتم أن تصوموا فی أهالیکم ففعل ذلك أن یكون أقوى لکم وکفاکم بالسفیانی علامة» از معتبره عیص بن قاسم نیز گاه همسو با مفاد روایات گروه چهارم تلقی می شود.

در نقد و بررسی این روایات باید گفت:

تامل در این روایات انسان را به این اطمینان می رساند که نظر ائمه علیهم السلام به قیام های مدعی مهدویت و دعوت کننده به خود بوده است. تعبیر «یعبدون من دون الله» و «من رفع رایة ضلال [ة]» نیز هادی به جهت این قیام ها است.

و اینکه گفته شود: «یعبدون من دون الله» در مقام قیمت گذاری حکمی بر این قیام ها است؛ هر چند صاحبان این پرچم ها، حق مدار باشند، خلاف ظاهر است. چنانکه نبود این جمله در برخی از نقل ها به دلیل بودن آن در نقل معتبر و عدم اش در نقل غیر معتبر، ضرری به اعتبار این جمله نمی زند، ضمن اینکه اصل عدم زیاده مقدم بر اصل عدم نقص است.

روایت دوم این گروه نیز بر مطمح نظر بودن قیام به عنوان مهدویت یا مقدمه آن دلالت کافی دارد این وضعیت بر روایت عیص بن قاسم نیز حاکم است.

۱. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ابواب جهاد العدو، باب ۱۲، ص ۳۴ و ۳۵، ح ۱-۳.

۲. سند و متن حدیث مورد نظر به قرار ذیل است: حمید بن زیاد، عن الحسن بن محمد الکندی، عن غیر واحد من أصحابه عن أبان بن عثمان، عن أبی جعفر الأحول: والفضیل بن یسار، عن زکریا النقاض عن أبی جعفر (علیه السلام) قال: سمعته یقول: الناس صاروا بعد رسول الله (صلی الله علیه وآله) بمنزلة من اتبع هارون (علیه السلام) ومن اتبع العجل وإن أبا بکر دعا فأبی علی (علیه السلام) إلا القرآن وإن عمر دعا فأبی علی (علیه السلام) إلا القرآن وإن عثمان دعا فأبی علی (علیه السلام) إلا القرآن وإنه لیس من أحد یدعو إلى أن یخرج الدجال إلا سیجد من بیایعه ومن رفع رایة ضلال [ة] فصاحبها طاغوت». روضه کافی، ص ۲۹۶، ۲۹۷، حدیث ۴۵۶.

حمید بن زیاد و کندی (حسن بن محمد بن سماعه) واقفی تقه هستند و دومی به «معاند فی الوقف» وصف شده است سایر رجال حدیث مشکلی ندارند اصحاب کندی نیز معلوم و مشکل حدیث زکریا ابن عبدالله تقاض است. بنابراین سند روایت ضعیف است.

۳. روضه کافی، ص ۲۶۴.